

بررسی قصاص زن و مرد از دیدگاه فقهی و مجازات قانون اساسی

حسین مزبجانی^۱، غلامرضا عارفیان^۲

^۱ گروه حقوق عمومی واحد بندرعباس، دانشگاه آزاد اسلامی، بندرعباس، ایران

چکیده

از جمله مباحث بحث برانگیز - قصاص و دیه زنان و مردان از نظر فقها است و یکی از سوالات اساسی این است که چگونه زن در قبال کشتن مرد قصاص می شود، بی آن که لازم باشد از سوی خانواده مرد چیزی به خانواده زن پرداخت شود؛ اما اگر مردی زنی را بکشد در صورتی می توان مرد را قصاص کرد که از سوی خانواده زن مقتول، مبلغی به خانواده مردقاتل تسلیم شود؟! فقها و مفسران در مواجهه با مبحث اجرای مجازاتهای افتراقی دیه و قصاص زن با توجه به قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و مواد قانونی ۳۸۲ و ۳۸۸، در کنار استناد به دلایل نقلی همچون آیات و روایات و نیز اجماع به توجیهات و دلایل عقلی و عرفی در تأیید و تحکیم دیدگاه خود اعم از برابری زن و مرد در قصاص و دیه یا نابرابری ایشان دست زده‌اند. از نظر اسلام هیچگونه تعارضی از لحاظ ابعاد انسانی، الهی، علمی و فرهنگی بین زن و مرد وجود ندارد؛ لذا مقصود و هدف دیه و قصاص به هیچ وجه مطالبه و دریافت ارزش ذاتی و اجتماعی افراد نیست و به یقین هدف چیز دیگری است؛ بنابراین احکام و مقررات متفاوت موضوعه صرفاً ناظر و مربوط به تفاوت طبیعی موجود بین زن و مرد هستند.

واژه‌های کلیدی: مجازات های افتراقی، قصاص، دیدگاه فقها، قصاص زنان، قصاص مردان.

مقدمه

مطابق نظریه فقهای شیعه مرد و زن در مقابل یکدیگر قصاص می‌شوند، لیکن قصاص نفس مرد در برابر نفس زن مشروط به پرداخت نصف دیه مرد است، اما در قصاص عضو، زن و مرد تا رسیدن دیه عضو به ثلث دیه کامل با یکدیگر برابرند و پس از آن قصاص عضو مرد در برابر عضو زن مشروط به پرداخت نصف دیه عضو مرد است. دیه نفس زن نیز نصف دیه نفس مرد است، لیکن مرد و زن در دیه عضو تا رسیدن آن به ثلث دیه کامل با یکدیگر مساوی هستند و پس از آن دیه عضو زن به نصف دیه عضو مرد کاهش می‌یابد. در این بررسی معلوم می‌شود که تفاوت بین زن و مرد در قصاص و دیه از احکام ثابت اسلام بوده، لذا قابل تغییر نیست؛ اگرچه حکومت اسلامی در مقابل زنان سرپرست خانوار مکلف به جبران خسارت می‌باشد. بدین جهت فلسفه این تفاوت را باید در کلیت نظام حقوقی اسلام جستجو نمود. مسلم است که این حکم تبعیض بین زن و مرد به لحاظ جنسیت و کم ارزش دانستن جان و حق حیات زن یا ترویج خشونت بر ضد وی نیست. برای بررسی دقیق وضعیت حکم قصاص و تفاوت آن در مورد زن و مرد از نظر فقه اسلامی و روشن شدن موقعیت آن باید همه احکام متفاوتی که در مورد زن و مرد وجود دارد بررسی شود و موارد صحیح و مسلم مشخص گردد آنگاه سه موضوع از دیدگاه اسلامی به خوبی شکافته و روشن شود:

سوالات

آیا نظر فقها اهل سنت و شیعه در مورد قصاص زنان و مردان با هم متفاوت است؟

نظر فقها درباره این سوال که چرا در اسلام میان زن و مرد تبعیض وجود دارد و ارزش وجود زن پیوسته کمتر از مردان شناخته شده است چیست؟

آیا احکام و مقررات در مورد قصاص زنان، نشان دایمی بودن است یا بر اساس اوضاع و احوال خاص زمان و مکان صادر شده و طبع آنها منافاتی با تغییر ندارد؟

(۱) از نظر فقها زن و مرد از لحاظ ارزش انسانی تفاوت ندارند.

(۲) احکام و مقررات متفاوت موضوعه، ناظر و مربوط به تفاوت طبیعی موجود بین زن و مرد هستند.

(۳) این احکام و مقررات متفاوت بر اساس اوضاع و احوال خاص زمان و مکان صادر شده و طبع آنها منافاتی با تغییر ندارد.

این پژوهش تلاش دارد تا ضمن بررسی مواد ۳۸۲، ۳۸۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، به بیان ادله و ریشه‌های این مواد حقوقی از نظر فقه اسلامی بپردازد. مفاد این دو ماده که به بیان حکم قصاص زن می‌پردازد عبارتند از:

پرداختن به این موضوعها و رسیدن به یک نتیجه مشخص و روشن، بحث ظریف و مستوفایی را می‌طلبد که در این پژوهش بدان پرداخته میشود.

اهداف تحقیق

(۱) بررسی نظر فقهی اجرای مجازات های افتراقی قصاص زنان با تاکید بر قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲.

(۲) مقایسه نظرات فقها شیعه با اهل سنت در مورد قصاص زنان و مردان

روش پژوهش

انتخاب روش تحقیق بستگی به ماهیت موضوع، اهداف پژوهش، فرض یا فرضیه های تدوین شده، ملاحظات اخلاقی و انسانی ناظر بر موضوع تحقیق و وسعت و امکانات اجرایی آن دارد. در این مرحله محقق باید معلوم دارد که برای مساله انتخابی او چه

روش تحقیق مناسب تر است (نادری -۱۳۹۲) در این پژوهش با توجه به موضوع و اهداف تحقیق، روش تحقیق نظری و از نوع توصیفی - تحلیلی استفاده شد که به صورت تطبیقی و مقایسه‌ای با مطالعه و بررسی دقیق منابع حقوقی صورت پذیرفت.

ابزار پژوهش

از آنجایی که در این تحقیق داده های مورد نیاز از روش مطالعه میدانی و کتابخانه ای بدست آمده، ابزار گرد آوری اطلاعات تحقیق، فیش برداری میباشد که شامل ترجمه، تلخیص، نقل قول مستقیم و غیر مستقیم است (دوورژه - ۱۳۷۹) اطلاعات با استفاده از فیش برداری کتابها، نشریات تخصصی، نمایه نشریات و مقالات مرتبط و فضای مجازی وب و ... گردآوری گردید.

روش تحلیل اطلاعات

پس از فیش برداری و جمع آوری مطالب از کتب حقوقی و قوانین مدون، همه اطلاعات دسته بندی شده و سپس هر دسته از اطلاعات در یک فصل جداگانه قرار داده شد. بر اساس روش تحقیق این پژوهش که توصیفی از نوع تحلیلی است و براساس روش های عقلی و استدلال های منطقی و توصیفی و استفاده از متون حقوقی و با بررسی جامع به توصیف و تحلیل نتایج به دست آمده پرداخته و به صورت مقایسه‌ای مورد تجزیه و تحلیل نظری قرار گرفتند.

پیشینه

مسعود عرفانیان (۱۳۹۰) در مقاله خود تحت عنوان اجرای احکام مدنی و کیفری نتیجه گرفته است که: از آیات شریفه قرآن در باب قصاص نمی توان تبعیض و تفاوت بین زن و مرد را استنباط کرد، بلکه ظاهر آیه ۴۵ سوره مائده که به طور صریح و مطلق، نفس را در برابر نفس قرار داده تساوی هر دو جنس را در این مسئله می رساند. آیه ۱۷۸ سوره بقره نیز نه از نظر منطقی و نه از نظر مفهومی تفاوت بین زن و مرد را در امر قصاص نمی رساند و توجیه عقلی و منطقی قابل قبولی نیز برای تفاوت گذاشتن بین زن و مرد در امر قصاص وجود ندارد. روایاتی هم از طرق عامه و شیعه از پیامبر اکرم (ص) و سیره عملی آنها نقل شده که هر یک از زن و مرد که مرتکب قتل عمد دیگری بشوند، قصاص می گردند؛ اکثر فقهای اهل سنت نیز همین نظر را دارند.

ناصر قربان نیا (۱۳۹۱) در مقاله خود تحت عنوان زن و قانون مجازات بیان داشت که: راست است که زنان در جامعه ما نیز بسان سایر جوامع، به علل مختلف از جمله وجود عرف و عادات نادرست بجای مانده از عصر جاهلیت، در معرض تضییع حقوق فردی و اجتماعی قرار دارند و صد البته باید با رویکردی دقیق به دین، زنان مسلمان به همه حقوق شرعی خود دست یابند، ولی باید توجه داشت که عادات و رسوم غلط از دین، تفکیک گردند تا به بهانه رد سنت های ناروا، دین و ارزشهای آن نفی نگردد و نیز بایسته است که در این حرکت، ره به افراط پیموده نشود؛ چه آنکه پاره ای فمینیست ها مسأله تساوی بلکه تشابه کامل حقوق زن و مرد را پشت سر گذاشته و نه تنها حقوق تضییع شده را مطالبه می کنند بلکه جنسیت پرستانه، به برتری جنس زن نسبت به مرد قائلند. اصل بازشناسی حقوق و احقاق حقوق زنان بلکه هر انسانی که حقوق او در معرض تضییع قرار دارد، اقدامی است مقدس، ولی افراطی گری، خودمانع اجرای عدالت و تأمین حقوق زنان خواهد شد. ما بر این باوریم که سنت نیکوی نقادی باید مورد توجه قرار گیرد و به ویژه روند مهم قانونگذاری از دید تیز بین نقادان پنهان نماند، حتی به نظر می رسد که قانونگذار مدنی در تدوین قانون کنونی مجازات اسلامی به گونه کامل از اسلوبهای وضع قانون پیروی نکرده و از نظر قانون نویسی، نقدپذیر و دارای ابهام های ماهوی و شکلی است؛ که هیچ نمی توان آن نقاط ضعف یا ابهام را به شریعت مقدس اسلام مستند ساخت.

حسین مهرپور (۱۳۸۴) در مقاله و پژوهی بررسی تفاوت اجرای حکم قصاص در مورد زن و مرد معتقد است با وجود تفاوت های طبیعی میان خلقت زن و مرد که موجب وظایف و تکالیف متفاوتی برای آنها می شود، نباید اجرای حدود اسلامی به گونه ای

باشد که ارزش انسانی زن را نسبت به مرد پایین بیاورد. نویسنده در ادامه به بررسی قانون مجازات اسلامی در ایران، فقه امامیه، فقه اهل سنت، آیات قرآن و احادیث درباره حکم قصاص پرداخته و نتیجه می‌گیرد که در قرآن، آیات متعددی درباره قصاص وجود دارد باین حال آیه‌ای وجود ندارد که تفاوتی میان اجرای حکم قصاص مرد و زن قائل شود.

تعریف لغوی قصاص

قصاص واژه ای عربی است و به معنای «انتقام گرفت، پیروی کرد، مجازات کردن» می باشد (زراعت - ۱۳۸۱) براساس فرهنگ لغات دهخدا، قصاص یعنی: «مانند آنچه داده باشی بازستدن، کشنده یکی را کشتن» می باشد (دهخدا - ۱۳۷۱) همچنین به معنای مجازات، عقاب، سزا، جبران، تلافی و رفتار با فاعل مثل آنچه او مرتکب شده، یا معامله به مثل آمده است. در لسان العرب آمده: قصاص عبارت است از تلافی و آن کشتن و ایراد جراحت در مقابل جراحت است (ابن منظور - ۱۹۹۰) در المنجد نیز آمده: قصاص مجازات دادن در مقابل گناه است، بدین صورت که با مرتکب به همان صورتی رفتار شود که خود رفتار کرده است (لوپس - ۱۳۸۰) لذا قصاص در لغت به معنای تلافی و مقابله به مثل آمده است. قصاص در لغت به معنای پیروی تدریجی از اثر هم هست و قصاص در قتل و جراحات یعنی پیروی و انجام مثل آن از قتل و جراحات می‌باشد (ابن منظور - ۱۹۹۰) قصاص، اسم برای استیفاء است و مجازات جنایت اعم از قتل، قطع و ضرب و جرح، در اصل به معنای پیروی از اثر می‌باشد مثل اینکه قصاص کننده از اثر فعل جانی پیروی می‌کند و هرآنچه که او انجام داده، انجام می‌دهد. به مثل جرح او جرح وارد می‌کند و به مثل قتل او می‌کشد مقابله به مثل در جنایات عمدی را قصاص گفته‌اند. قص و قصص به معنی پی‌جویی و تعقیب است چون انتقام در تعقیب جنایت است لذا آن را قصاص گفته‌اند قصاص یعنی خون‌خواهی با کشتن قاتل و کشنده که همان مقابله به مثل و تلافی است (الافریقی المصری - ۱۹۹۷) طریحی در مجمع البحرین در رابطه با لغت قصاص گفته است:

«القصاص بالكسر اسم لاستیفاء و المجازاه قبل الجنایه من قتل او قطع او ضرب او جرح و أصله اقتفاء الاثر فکان المقتص يتبع أثر الجانی فیفعل مثل فعل».

گرفتن حق و کیفر دادن جنایتکار را در برابر قتل یا بریدن یا ضرب و جرح، قصاص گویند. اصل این کلمه از ردیابی و پیگیری است، مثل این است که قصاص کننده جنایتکار را تعقیب کرده و او را به کیفر پاداش می‌رساند؛ بنابراین قصاص در لغت به معنای پیروی تدریجی از اثر است و قصاص در قتل و جراحات یعنی پیروی و انجام مثل آن از قتل و جراحات می‌باشد (همان - ۱۹۹۷) همچنین قصاص در اصطلاح عبارت از: وارد آوردن مثل جنایت جانی از قتل، قطع، جرح یا ضرب به او است (العاملی - ۱۹۷۶)

تعریف اصطلاحی قصاص

معنای اصطلاحی قصاص نیز به معنای لغوی آن نزدیک است؛ یعنی ولی دم یا مجنی علیه از مجرم تبعیت می‌کند و همان کاری را که انجام داده است، نسبت به او انجام می‌دهد؛ یعنی اگر مجرم، مرتکب قتل شده است، کشته می‌شود. اگر عضوی را قطع کرده است همان عضو قطع می‌شود، اگر جراحی وارد کرده است همان جراحی به او وارد می‌شود.

قصاص از نظر اصطلاحی، پی‌گیری امری جنایی و تلافی فعل مجرمانه است که جانی مرتکب شده و به سبب آن، صدماتی بر مجنی علیه وارد کرده است تا به این سبب، حق فوت شده‌ی مجنی علیه استیفاء شود.^۱ پی‌گیری نمودن اثر جنایت و ضرب و جرح را گویند به گونه‌ای که قصاص کننده به صورت واقعی همین جنایت وارده را به جانی وارد نماید (خسروشاهی - ۱۳۸۰)

^۱ - همان، ص ۲۳.

صاحب جواهر می‌گوید: مراد از قصاص در اینجا (کتاب القصاص)، پی‌گیری و دنبال نمودن اثر جنایت است به گونه‌ای که قصاص‌کننده، عین عمل جانی را نسبت به او انجام داده است. (گرجی - ۱۳۵۸) این معنای اصطلاحی، اخص از معنای لغوی است، گرچه در معنای لغوی نیز بعضی از لغت‌شناسان همین معنای تقاص در جراحات و حقوق در ذکر نموده‌اند.

در مفهوم اصطلاحی قصاص، دو نکته وجود دارد که توجه بدان لازم است. اول آنکه در قصاص باید به میزان همان جنایت وارد شده به مجنی‌علیه، بر جانی وارد شود نه بیشتر. دوم: اگر استیفاء اثر جنایت یا ضرب و جرح به پرداخت دیه یا عفو منجر شود یا اصولاً در یک جامعه یا مکتب پی‌جویی جنایت تا اخذ دیه یا عفو جایز باشد این نوع دنبال نمودن اثر جنایت را اصطلاحاً قصاص نمی‌گویند. هرچند از نظر لغوی ممکن است بتوان آن را قصاص دانست (خسروشاهی - ۱۳۸۰)

تعریف قانونی قصاص

قصاص به عنوان مجازات اصلی در جرایم علیه تمامیت جسمانی اشخاص، در آیات مختلف به طور صریح و غیر صریح و در مواد مختلف قانون مجازات مورد اشاره و مورد تاکید قرار گرفته است... ماده ۱۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، قصاص را چنین تعریف میکند: «قصاص مجازات اصلی جنایات عمدی بر نفس، اعضا و منافع است».

از مفاهیم مرتبط با قصاص، دیه می‌باشد. دیه در لغت به معنای حق مقتول می‌باشد (الافریقی المصری - ۱۹۹۷) و آن مالی است که بدل نفس به ولی مقتول پرداخت می‌شود و گاه بر بدل عضو نیز اطلاق می‌شود (الخوری الشرتونی - ۱۳۷۴) دیه در اصطلاح عبارت است از: مالی که به سبب ایراد جنایت بر نفس یا کمتر از نفس انسان آزاد واجب می‌شود؛ خواه مقدر یا غیر مقدر باشد. اگر چه گاه به غیر مقدر ارش و حکومت گفته می‌شود. ماده ۱۷ ق.م.ا. مصوب ۱۳۹۲ مقرر می‌دارد: «دیه مال معینی است که در شرع مقدس به سبب جنایت غیر عمدی بر نفس، عضو و یا منفعت یا جنایت عمدی در مواردی که به جهتی قصاص ندارد، مقرر شده است».

انواع قصاص

جرایم بر ضد تمامیت جسمانی انسان به لحاظ قصد و اراده مرتکب به جرایم عمدی و غیر عمدی و جرایم غیر عمدی نیز به جرایم خطایی و شبه‌عمدی تقسیم می‌شود. جرایم عمدی موجب قصاص، به قصاص نفس و قصاص عضو تقسیم می‌گردد. قصاص نفس حق اولیای دم و قصاص عضو حق مجنی‌علیه است. جرایم غیر عمدی موجب دیه می‌شود که به دیه نفس، عضو و منافع تقسیم می‌گردد. دیه نفس حق اولیای دم و دیه عضو و منافع حق مجنی‌علیه است؛ بنابراین قصاص بر دو نوع است:

(۱) قصاص نفس و (۲) قصاص عضو.

قصاص از نظر فقهای اهل سنت

تمامی فقهای چهار گانه اهل سنت (حنفی، شافعی، مالکی، حنبلی) همگی بر این اتفاق نظر دارند که مرد در مقابل کشتن زن قصاص می‌شود بدون این که فاضل دیه را به خانواده قاتل بپردازند. اساس استدلال فقهای این طایفه عموم آیات قصاص و روایاتی است که ایشان به پیامبر اکرم (ص) نسبت می‌دهند. علاوه بر این موارد به اصل یکسان بودن نفوس آدمی از زن و مرد هم استناد می‌کنند، از جمله نقل شده که پیامبر اکرم (ص) فرمودند: «ان الرجل یقتل بالمراه» یعنی: مرد در برابر زن قصاص می‌شود و نیز نقل شده است که پیامبر (ص) مرد یهودی که دختری را به قتل رسانده بود قصاص کرد؛ اما بعد از ذکر خلاصه ای از نظرات کلی تمام فقهای اهل سنت لازم است نظرات چند تن از فقهای این طایفه را در مورد قصاص به طور کلی مورد بررسی قرار داده شود.

علی بن محمد بن حبیب الماوردی (۳۶۴ ق) که از فقهای معروف شافعی است در کتاب الامثال و الحکم خود پس از بیان قول شافعی در خصوص جواز قصاص مرد در برابر زن به بیان دلایل این قول پرداخته و می گوید: دلیل ما این سخن خدای تعالی است که می فرماید: «در تورات بر ایشان واجب کردیم که جان در مقابل جان قصاص می شود». این آیه عام است و تخصیص نخورده است. ابوبکر محمد بن عمرو بن حزم از پدرش و از جدش روایت کرده که رسول خدا (ص) نامه ای به اهل یمن نوشت، و در آن واجبات و مستحبات را بیان فرمود و این نامه را توسط عمرو بن حزم به آنها ابلاغ نمود. در نامه آمده بود که «مرد در برابر زن به قتل می رسد» و این در آنچه گفته شد صراحت دارد و دلیل دیگر این که احکام بر دو نوع اند یک نوع از آن مربوط به مال است، مانند حدود که زن و مرد در آن برابرند و نوع دیگر مربوط به مال است مانند میراث که در آن زن نصف مرد سهم می برد. قصاص چون از احکام مربوط به حرمت است زن و مرد در آن برابرند؛ اما دیه چون از احکام مربوط به مال است، زن در آن نصف مرد است. هم چنین به این دلیل که اگر قصاص واجب باشد دیگر پرداخت مال به همراه آن وجوبی ندارد و اگر قصاص واجب نباشد باز هم پرداخت مال واجب نخواهد بود؛ اما در مورد این سخن خدای تعالی «والانثی بالانثی» باید گفت: این که می فرماید زن در برابر کشتن زن به قتل می رسد، مانع از این نیست که مرد در برابر کشتن زن به قتل برسد، زیرا تعلق حکمی به موردی خاص اقتضا نفی حکم از غیر آن مورد خاص را ندارد؛ اما این که دیه زن و مرد اختلاف دارد مانع از تشابه آنها در قصاص نمی شود، همچنان که اختلاف دیه اهل کتاب و مجوس مانع برابری آنها در قصاص نمی شود.

هم او در تفسیر آیه ۴۵ از سوره مائده آورده این سخن خدای تعالی که فرموده: «ما در تورات بر یهود واجب کردیم که جان در جان قصاص میشود». اقتضا دارد که مرد در برابر زن به طور مطلق قصاص شود و همه علما نیز همین را گفته اند؛ اما عطا گفته است: حکم به رجوع آنها به یکدیگر می شود؛ بنابراین اگر مردی زنی را به قتل برساند، ولی زن مختار است دیه او را بگیرد، یا نصف دیه مرد را پرداخته او را قصاص نماید؛ اما عموم آیه بر خلاف آن چه که گفته دلالت دارد. رسول خدا (ص) هم می فرماید: «هرگاه کسی به قتل برسد خانواده او مختارند، یا قاتل را قصاص نمایند، یا از او دیه بگیرند و معنای آیه همین نظر را تایید می کند، زیرا وقتی که مردی زنی را به قتل می رساند، در واقع کسی را کشته که از نظر خون با او برابر است»، بنابراین چیزی در این جا واجب نمی شود همان گونه که در مورد وقوع قتل میان دو مرد چنین است. این موضوع را مجاهد بیان کرده و ابو عبید هم به واسطه ابن عباس نقل کرده است. هم چنین از ابن عباس روایت شده که آیه ۱۷۸ سوره بقره با آیه ۴۵ سوره مائده نسخ گردیده که این قول اهل عراق است.

موفق الدین ابن قدامه (۶۳۰ ق) از فقهای مشهور حنبلی در موضوع محل بحث در کتاب خود با عنوان من شرح لمعة الاعتقاد^۱ چنین می گوید: مرد در برابر کشتن زن و زن در برابر کشتن مرد به قتل می رسد، این عموم اهل علم از جمله نخعی، شعبی، زهری، عمر بن عبد العزیز، مالک، اهل مدینه، شافعی، اسحاق و اصحاب رای و غیر ایشان است.

ابوبکر محمد بن احمد سرخسی (۴۸۳ ق) یکی از فقهای مشهور حنفی نیز در همین زمینه در کتاب المبسوط^۲ خود می گوید: ... اگر مردی پسر بچه ای را به قتل برساند قصاص می شود زیرا آنها از نظر زندگی با هم برابرند، هم چنین است اگر مردی زنی را به قتل برساند. از علی که خدا از او راضی باد، روایت شده که اولیای زن بین این که دیه او را بگیرند و یا این که نصف دیه قاتل بپردازند و سپس او را به عنوان قصاص به قتل رسانند، مخیرند؛ اما این سخن دور از ذهن است و درست نیست که آن را به علی که خدا از او راضی باد نسبت دهیم، زیرا او فقیه تر از آن است که بگوید قصاص (در ابتدا) واجب نیست اما با پرداخت مال واجب می شود؛ بنابراین آن چه گفته شد اگر بنده ای از روی عمد فرد آزادی را به قتل رساند و یا زنی از روی عمد مردی را به قتل برساند، قصاص می شود، زیرا آنها از نظر زندگی با هم برابرند. چنانکه ملاحظه شد در فقه اهل سنت همگی بر این

^۱ - ابن قدامه، موفق الدین، ۶۳۰ ق. من شرح لمعة الاعتقاد. بیروت، نشر ادب الحوزه.

^۲ - سرخسی، ابوبکر محمد بن احمد، ۴۸۳ ق. المبسوطه در فقه حنفی. بیروت: دارالمعرفة.

عقیده اند که مرد در برابر کشتن زن قصاص می شود بدون این که خانواده مقتوله فاضل دیه را به خانواده قاتل بپردازند و خالی از لطف نیست که دلایل این گروه را مورد بررسی قرار می دهیم.

بند ۱: عموم آیات قصاص

بیشتر فقهای اهل سنت به آیاتی چون: «و کتبنا علیهم فیما ان النفس بالنفس»^۱ و «و کتب علیکم القصاص فی قتلی»^۲ را مورد استثنا قرار میدهند و میگویند این آیات هیچ تفاوتی میان زن ومرد نگذاشته و زن ومرد را در قصاص برابر دانسته است و آنها بر این عقیده اند مرد در برابر زن قصاص می شود، اما این که در قصاص مرد در برابر زن، پرداخت فاضل دیه شرط شده است یا نه این آیات نسبت به آنها ساکت هستند.

بند ۲: نامه عمرو بن حزم

اهل سنت به نقل از «قتاده» روایت کرده اند: پیامبر اکرم (ص) مردی یهودی را در برابر کشتن زنی مسلمان قصاص کرد و از آن نتیجه گرفته اند که در قصاص مرد در برابر زن پرداخت فاضل دیه لازم نیست.

بند ۳: اجماع اصحاب

بیشتر فقهای اهل سنت، اشاره ای به اجماعی بودن نظر خود در خصوص قصاص مرد در برابر زن نکرده اند و تنها در کلمات برخی از آنان، اجماع به عنوان یکی از دلایل این نظر برشمرده شده است.

فقهای امامیه به اجماع و اتفاق متعقدند در صورتی مرد به لحاظ کشتن زن قصاص می شود که قبلاً نصف دیه مرد از سوی اولیای مقتوله پرداخت شده باشد.

فقیه محدث بزرگ طایفه امامیه شیخ صدوق (۳۸۱ ق) در این زمینه میگوید: «اگر مردی از روی عمد زنی را به قتل رسانده بستگان زن می توانند مرد را به قتل برسانند و نصف دیه را به بستگان او بپردازند یا این که پنج هزار درهم از او بگیرند...».

شیخ طوسی (۱۴۰۴) در کتاب «الخلافا» مشروط بودن قصاص مرد در برابر زن، به پرداخت فاضل دیه را امری اجماعی دانسته و می گوید: مرد در برابر زن کشته می شود مشروط به آن که بستگان زن افزونی دیه را که آن پنج هزار درهم است برگردانند. عطا نیز همین را گفته است؛ البته با این تفاوت که او (افزونی دیه را) شش هزار درهم گفته است. از حسن بصری نیز این مطلبی روایت شده که او هم آن را از علی (ع) نقل کرده است.

شهید ثانی (۹۱۱-۹۶۵ ق) در کتاب «الروضه البهیة» که شرحی بر المعنة دمشقیه شهید اول (۷۳۴-۷۸۶ ق) است در این زمینه می گوید: مرد آزاد در برابر مرد آزاد به قتل می رسد همچنین مرد آزاد در برابر زن آزاد به قتل میرسد البته بعد از آن که بستگان زن نصف دیه مرد را به او پرداخت کردند؛ زیرا دیه مرد دو برابر دیه زن است و همچنین سید علی طباطبایی در کتاب ریاض المسائل هم همین نظر را دارد.

بیشترین دلایل این گروه از فقها: ۱- روایات (سنت) ۲- اجماع فقها و فقهای این گروه کمتر به قرآن استناد می کنند. در اینجا به اجمال در مورد آیات قصاص از دیدگاه فقهای شیعه می پردازیم.

^۱ - سوره مائده ۴۵

^۲ - سوره بقره ۱۷۸

بند ۱: عموم آیات قصاص

در معنای آیه ۱۷۸ سوره بقره: بیان می دارد:

«ای کسانی که ایمان آوردید قصاص کشته شدگان بر شما واجب گردید، آزاد در برابر آزاد، بنده در برابر بنده و زن در برابر زن.»

صاحب مجمع البیان (طبرسی -۱۴۰۸) در بیان معنای آیه به حدیثی از امام صادق (ع) اشاره کرد و می فرماید: امام صادق فرمود:

«اگر مردی زنی را به قتل رساند و بستگان مقتول خواستند که مرد ا بکشند، باید نصف دیه او را به خانواده اش پرداخت کنند» و این همان حقیقت برابری در قصاص است چون جان زن با جان مرد برابر نیست، بلکه جان او نصف جان مرد است.

آیه ۴۵ سوره مائده بیان میدارد «و ما در تورات بر یهود واجب کردیم که جان در برابر جان، چشم در برابر چشم، بینی در برابر بینی و گوش در برابر گوش و دندان در برابر دندان (قصاص می شود) همچنین در جراحات نیز قصاص جاری می شود».

چنان که در بررسی کلمات فقها اهل سنت دیدیم، برخی از مفسران آنها قائل شده اند که آیه یاد شده از سوره ی بقره با آیه ۴۵ سوره مائده نسخ شده است؛ اما غالب فقها و مفسران شیعه این موضوع را نپذیرفته اند و آن را رد کرده اند که در این جا به کلمات برخی از آنها اشاره می کنیم.

قطب راوندی در کتاب خود «فقه القرآن» پس از بیان آیه ۱۷۸ سوره بقره می گوید بعضی از مفسران گفته اند که آیه ۱۷۸ سوره بقره به وسیله آیه ۴۵ سوره مائده نسخ شده است؛ اما جعفر بن مبشر می گوید «به نظر من چنین نیست؛ زیرا خدای تعالی به ما خبر داده که او بر یهود چنین واجب کرده بود و به نظر من در این آیه چیزی که نشان دهد که خداوند بر ما هم واجب کرده است، وجود ندارد، زیرا شریعت یهود با شریعت ما نسخ شده است». از دیگر دلایل فقهای امامیه روایات است که در زیره یکی از آنها اشاره می کنیم:

بند ۲: روایات

عبدالله بن سنان در روایت صحیح عبدالله بن سنان این چنین نقل می کند: از ابا عبدالله (امام صادق (ع)) شنیدم که در مورد مردی که زنش را به عمد کشته بود فرمود: بستگان زن اگر بخواهند مرد را به قتل رسانند می توانند این کار را انجام دهند و نصف دیه مرد را به بستگانش پرداخت کنند و اگر بخواهند می توانند نصف دیه را یعنی پنج هزار درهم، از مرد دریافت کنند. فقهای امامیه مانند فقهای اهل سنت به اجماع یکی از دلایل خود در قصاص استناد می کنند اما بر عکس آن ها (فقهای اهل سنت) بر این باورند که در قصاص خانواده زن باید نصف دیه را به خانواده مرد بپردازند.

در مورد قصاص اعضا و جوارح باید گفت که زن و مرد تا یک سوم جراحت باهم در قضا و دیه برابرند و بعد دیه زن نصف دیه مرد است و ما در این جا به ذکر یک روایت بسنده می کنیم.

در بخشی از روایتی که حلبی در صحیح حلبی از امام صادق (ع) نقل کرده آمده است: جراحت های زنان و مردان تا زمانی که به یک سوم دیه برسد با هم برابر است؛ دندان زن در برابر دندان مرد، زخم زن در برابر زخم مرد، انگشت زن در برابر انگشت مرد؛ اما هنگامی که جراحت به یک سوم دیه رسید، دیه زن نصف دیه مرد می شود. از آنجا که فقهای اهل سنت و امامیه در نصف بودن دیه زن نسبت به مرد باهم تا حدود زیادی اتفاق نظر دارند به همین دلیل بر آن شدیم که نظر فقهای دو گروه را در یک بخش جمع بندی کنیم.

قرآن کریم درباره ی مقدار دیه بین زن و مرد ساکت است و آن چه می تواند مستند و مدرک برای تعیین اندازه دیه آنها قرار گیرد، اصول و قواعد کلی اسلامی، روایت خاص و اجماع است.

در کتب فقهی، به استناد روایات خاص و اجماع، برابری دیه زن و مرد تاکید شده است. در قرآن کریم در یک آیه به اصل دیه دلالت دارد ولی نسبت به مقدار آن ساکت است.

در آیه ۹۲ سوره نسا چنین بیان میدارد: «و هیچ مومنی را نسزد که مومنی را جز به اشتباه بکشد و هر کس مومنی را به اشتباه بکشد، باید بنده مومنی را آزاد و به خانواده او خون بها پرداخت کند؛ مگر این که آنان گذشت کنند و اگر مقتول از گروهی است که دشمنان شمایند و خود وی مومن است قاتل باید بنده مومنی را آزاد کند (و پرداخت خون بها به خانواده ی او لازم نیست) از گروهی است که میان شما و میان آنان پیمانی است باید به خانواده ی وی خون بها پرداخت نماید و بنده مومنی را آزاد کند و هر کس بنده نیافت باید دو ماه پیایی به عنوان توبه ای از جانب خدا روزه بدارد و خدا همواره دانای سنجیده کار است.»

نظر فقهی که در این مورد می توان بیان کرد نظر «حمزه علی بن زهره معروف به ابن زهره» نیز نصف بودن دیه زن نسبت به دیه مرد را مورد اتفاق همه فقها دانسته و میگوید: «دیه زن نصف دیه مرد است». در این زمینه هیچ نظر مخالفی وجود ندارد، «ابن علی» و «اصم» گفته اند که دیه آنها با هم برابر است؛ اما روایتی که از طریق ایشان (اهل سنت) از پیامبر که بر او سلام باد نقل شده و در آن آمده است: «دیه زن نصف دیه مرد است» بر خلاف نظر این دو دلالت دارد.

دلالتی را که در مورد دیه بین فقها مطرح است در اینجا به طور اجمال بررسی می کنیم:

الف) روایات در مورد دیه نفس

در این قسمت دو روایت را ذکر می کنیم یکی بر برابری دیه بین زن و مرد صدق می کند و دیگری بر نصف بودن دیه بین زن و مرد صادق است. این روایت را شیخ حر عاملی در ابتدای کتاب الدیات از کتاب وسائل الشیعه^۱ آورده است. عبدالرحمان بن حجاج می گوید: شنیدم که ابن ابی لیلی می گفت «دیه در دوران جاهلیت یکصد شتر بود. رسول خدا همان را امضا کرد. سپس بر گاوداران دویست گاو و بر گوسفند داران یک هزار گوسفند و بر صاحبان طلا، هزار دینار و بر صاحبان درهم ده هزار درهم و بر مردمان یمن، دویست حله (قطعه پارچه) مقرر کرد». و اما روایت دوم ما در این جا هم روایت را ذکر می کنیم و هم ایرادی را که بر این روایت از سوی یکی علما متاخر گرفته شده است را بیان می داریم. محمد بن یعقوب، عن علی بن ابراهیم، عن محمد بن عیسی، عن یونس عن عبدالله مسکان عن ابی عبدالله (ع) می فرماید: قال «دیه المرأة نصف دیه الرجل» امام صادق (ع) در روایتی فرمود دیه زن نصف دیه مرد است.

این روایت گرچه از جهت دلالت تمام است و هیچ خدشه ای در آن راه ندارد، ولی از جهت سند با مشکل مواجه هست؛ زیرا از یک سو در سند این حدیث، محمد بن عیسی از یونس نقل روایت میکند و محمد بن الحسن الولید روایات او را - آن گاه که به تنهایی ناقل باشد - مردود شمرده است. از سوی دیگر وثاقت محمد بن عیسی بن عبید محل خلاف و تردید است؛ چرا که شیخ طوسی، سید بن طاووس، شهید ثانی، محقق و گروهی دیگر وی را تضعیف کرده اند و نجاشی او را توثیق کرده است و پس از تعارض جرح و تعدیل، اقوی ترک عمل به این روایت است.

ب) دیه اعضا و جراحات

^۱ - حر عاملی، محمد بن الحسن، وسائل الشیعه، جلد ۲۰، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.

مطابق روایت صحیحہ ابوبصیر، امام صادق (ع) در پاسخ ابوبصیر که از ایشان در مورد حکم جراحات پرسیده بودند فرمودند: جراحات زن همانند جراحات مرد است تا زمانی که به یک سوم دیه برسد پس هنگامی که به یک سوم دیه رسید (دیه) جراحات مرد نسبت به دیه جراحات زن دو برابر می شود.^۱

بند ۳: اجماع

دومین دلیلی که نصف بودن دیه زن نسبت به دیه مرد اقامه شده، اجماع فقهاست. در این مورد هم فقها متاخر و هم فقهایی متقدم با اجماع بر نصف بودن دیه بین زن و مرد تاکید دارند.

در میان مراجع تقلید معاصر آیت الله صانعی و آیت الله جناتی به طور کامل دیه زن و مرد را برابر می دانند. آیت الله مکارم شیرازی نیز معتقدند علت عدم برابری دیه زن و مرد (مساله اقتصادی) نان آور بودن مردان نه تفاوت انسانی و آیت الله موسوی بجنوردی و محقق داماد هم نظری شبیه به همین نظر را دارند (تمار - ۱۳۸۴) نویسنده کتاب نقد الحاق (سجادمتمش - ۱۳۸۳) با توضیحاتی که در مورد مفهوم دیه می دهد، بیان می دارد: حال که ثابت شد دیه نمی تواند خون بها باشد پس زیاد بودن آن دلیل برتری ارزش نیست و کم بودن آن نیز دلیل کم ارزشی نمی شود. اگر دیه مرد از دیه زن بیشتر است، دلیل بر این نیست که مرد دارای ارزش بیشتری است و یا زن از ارزش کمتری برخوردار است. پس دلیل زیاد یا کم بودن دیه چیست؟ دلیل این امر «بر اساس روایت عدل که یونس بن عبد الرحمان از علی بن موسی الرضا (ع) نقل می کند، دلیل بر عدم مسوولیت مادی زن در خانواده است». چون زن هیچ گونه وظیفه مادی از جهت تامین مخارج در منزل ندارد، بلکه این وظیفه به عهده ی شوهر است دیه او بیشتر از دیه زن است؛ یعنی مبنای دو برابر بودن دیه مرد نسبت به دیه ی زن یک امر مادی است، نا این که بیانگر ارزش معنوی باشد. ممکن است گفته شود اگر زن مسوولیت های خانواده بر عهده داشته باشد مقدار دیه اش مثل مرد می شود؛ در جواب باید گفت: خیر؛ چون در اسلام وظایف و مسوولیت ها به حسب طبیعت و فطرت تقسیم شده و زن در این خصوص مسوولیتی ندارد و ادامه می دهد که «ممکن است گفته شود: زن را در تامین مخارج منزل و نیز پرداخت دیه به عنوان عاقله (جز عاقله محسوب گردد) شریک بدانیم تا دیه و همچنین ارث او برابر مرد گردد و دیگر هیچ گونه شائبه تبعیض در کار نباشد»؟

۱) وظایف و به تبع آن حق، با توجه به توانایی ها، ظرفیت ها و قابلیت ها تقسیم می شوند و با توجه به ضعیف بودن قدرت بدنی زن نسبت به مرد و همچنین روحیات و جسم لطیف و ظریف زن، کارهایی که نیاز به دقت، ظرافت، سلیقه خوش و غیره دارد به عهده ی زن، از این رو کار کردن برای تامین مخارج و نیازها بر عهده ی مرد است و نیز نفقه به عهده اوست.

۲) این که ما زن را موظف کنیم همچون مرد هر روز ۷-۸ ساعت کار بکند و در طول ۳۰-۴۰ سال این کار را مدام انجام دهد، برای این که نفقه او بر دوش مرد نباشد و در نتیجه دیه ی او (در صورتی که کشته شود و یا جراحی به او وارد گردد که موارد آن در طول زندگی بسیار نادر است) و سهم الارث او با مرد مساوی می گردد، این دفاع از حقوق زن است، یا مکلف کردن زن به تکالیفی که فوق توان و قدرت اوست؟ (کریمی - ۱۳۹۳)

^۱ - وسائل الشیعه ۲۹: ۷۱، کتاب القصاص، ابواب قصاص نفس، باب ۲۸، ح ۱، ط آل البیت: «عن ابي بصير يعني المرادي - قال: سألت أبا جعفر (عليه السلام) عن رجل قتل رجلاً مجنوناً، فقال: إن كان المجنون أراده فدفعه عن نفسه فلا شيء عليه من قود ولا دية، ويعطى ورثته دية من بيت مال المسلمين، قال: وإن كان قتله من غير أن يكون المجنون أراده فلا قود لمن لا يقاد منه وأرى أن علي قاتله الدية في ماله يدفعها إلى ورثة المجنون ويستغفر الله ويتوب إليه»

نوسینده کتاب زن در آینه جمال و جلال بیان می دارد که «از دیگر شبهاتی که بر اثر عدم توجه به معیار های ارزشی قرآن کریم ورسوخ فرهنگ جاهلی و غربی در ذهن ها و بیان ها بر آن تکیه می شود، تفاوت دیه زن و مرد است. برای پاسخ به شبهه یاد شده ذکر یک مقدمه ضروری است و آن این که معیار ارزیابی انسان در اسلام، دیه نیست تا تمایز زن و مرد به آن خلاصه شود و نیز معیار دیه در اسلام، ارزش معنوی انسان مقتول نیست، بلکه دیه صرفاً بدلی مادی برابر بدن مادی است» (املی - ۱۳۹۲) و همچنین ایشان در بخش راز اختلافات دیه زن و مرد به ذکر یک حدیث میپردازد و بیان میدارد که «ابوهاشم جعفری نقل کرده است: شخصی از حضرت امام حسن عسگری (ع) پرسید: چرا زن بیچاره ی ضعیف باید یک سهم داشته باشد و مرد توانا دو برابر بگیرد، حضرت فرمود: چون هزینه ی سنگین حضور در جبهه های جهاد و نفقه های خانواده و توان مالی اقوام مانند پرداخت دیه مقتولی که توسط یکی از اقوام به قتل رسیده است فقط به عهده ی مردان است» و نویسنده ادامه می دهد علت نصف بودن دیه زن نسبت به مرد به این دلیل است که مردها در مسائل اقتصادی معمولاً بیشتر از زن ها بازدهی اقتصادی دارند.

آقای جمال خندان کوچکی در سرخط روزنامه اعتماد ملی و در اندر حکایت تساوی دیه زن و مرد بعد از ذکر مسائلی در این موضوع یک نتیجه گیری کلی کرده و گفته است: «نظر به این که قرآن مجید صرفاً به پرداخت دیه جهت کشته شدن غیر عمد «مومنین» اشاره نموده و در روایات منقول از رسول اکرم (ص) و ائمه اطهار (ع) نیز دیه غیر مسلم نه تنها در مقابل دیه مردان مسلمان بلکه در مقابل دیه زنان مسلمان نیز بسیار ناچیز است و درحال حاضر مطابق مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام مقررات تساوی دیه بین مسلمانان و غیر مسلمانان حاکم و جاری گردیده و بدین ترتیب هم اکنون دیه یک مرد غیر مسلمان دو برابر دیه یک زن مسلمان بوده که البته وجاهت شرعی آن مورد تردید است و همچنین با لحاظ تحولات شگرف اجتماعی و اقتصادی دنیای کنونی و نقش موثر زنان در اقتصاد جامعه و اداره خانواده به نظر میرسد وقت آن فرا رسیده است که قانونگذار جمهوری اسلامی همانند موضوع تساوی دیه مسلمان و غیر مسلمان به تساوی دیه میان زن و مرد حکم نموده و یا این که لاقلاً پیشنهاد اخیر دکتر الهام وزیر دادگستری و سخنگوی دولت وعضو حقوقدانان شورای نگهبان مبنی بر تکلیف ادارات بیمه جهت پیش بینی قرار دادی پرداخت مساوی دیه زن و مرد را مورد توجه قرار دهد» (خندان - ۱۳۸۶)

در مورد نقد مطلبی که شیخ طوسی در کتاب الخلاف گفته و فرموده است از حسن بصری نیز این مطلب روایت شد و او هم آن را از علی (ع) روایت کرده حال این نکته را باید گفت که اگر حضرت علی (ع) بر نصف بودن دیه بین زن و مرد تاکید داشتند چرا در خطبه ۸۰ خود در نهج البلاغه زمانی که در بیان تفاوت های زنان و مردان میگویند: «که ای مردم! همانا زنان در مقایسه با مردان، در ایمان و بهره وری از اموال و عقل متفاوتند، اما تفاوت ایمان بانوان، برکنار بودن از نماز و روزه در ایام عادت و حیض آن ست و اما تفاوت عقلشان با مردان بدان جهت که شهادت دو زن در برابر با شهادت یک مرد است و علت تفاوت در بهره وری از اموال آن که ارث بانوان نصف ارث مردان است». پس چرا حضرت علی در مورد مسئله ی به این مهمی هیچ تفاوتی بین زن و مرد ذکر نمی کند. یا اگر ما قضاوت های این امام معصوم را مورد مطالعه قرار دهیم متوجه مطالب بالا می شویم.

به عنوان مثال مردی ضربه ای بر شکم زنی وارد ساخت، زن در اثر آن ضربه علقه (مرحله دوم از مرحله تکامل جنین) سقط کرد حضرت امیر فرمود آن مرد باید چهل دینار بپردازد و آنگاه فرمود دیه نطفه بیست دینار و علقه چهل دینار و مضغه شصت دینار و استخوان پیش از تمام شدن خلقت هشتاد دینار، جنین کامل قبل از دمیدن روح صد دینار و پس از دمیدن روح هزار دینار. نکته ای را که در این جای میتواند برداشت کرد این است که حضرت علی (ع) با ذکر این موارد هیچ سخنی از تفاوت دیه بین پسر و دختر عنوان نکرده است. در مورد اعضا و جوارح اگر بخواهیم این مطلب را از نظر عقلی مورد بررسی قرار دهیم می توانیم این طور بیان کنیم که چطور ممکن است دیه سه انگشت زن باشد ۳۰ دینار و دیه چهار انگشتش باشد ۲۰ دینار آیا واقعاً از نظر عقلی قابل قبول است!؟

واما در مورد مطالبی که نویسنده کتاب زن در آئینه جمال گفته است باید گفت که اگر منظور نویسنده محترم از بدن مادی همان آفرینش ابتدایی زن است باید گفت زن و مرد همه از یک سرشت آفریده شده اند و همه آنها از یک جنس هستند پس هیچ تفاوتی در بدن مادی نیست و امادر مورد قسمت روایت ذکر شده می توان گفت که: این روایت احتمالاً در مورد مسئله ارث است و با دیه فرق دارد و ما هم قبول داریم ارث زن نصف ارث مرد است و این مسئله هم در قرآن به صراحت ذکر شده ولی در مورد دیه عکس قضیه است. و علت دو برابر بودن ارث مرد نسبت به ارث زن هزینه های مثل نفقه و مهریه و جهاد است و چرا باید آن را با دیه بسنجیم.

در مورد کتاب نقد الحاق (سجاد منش - ۱۳۸۳) باید گفت که در جامعه ای که امروزه زن دوشادوش مرد در تامین مخارج زندگی جهد و کوشش می کند تکلیف چیست حال اگر بگویم به نظر نویسنده این وظیفه بر عهده شوهر است و زن در قبال آن مسئولیتی ندارد باید گفت که امروزه این مسئله (کار کردن زن در جامعه برای تامین مخارج زندگی) عملاً در حال اتفاق است و هیچ توجهی هم به مسئولیت داشتن مرد در قبال خانواده نمیشود. همانطوری که اشاره شده زن از روحیه و جسم لطیف و ظریف برخوردار است و این خود ذهن ما را به سوی یک مسئله ای سوق می دهد که آن مسئله از دست دادن مادر برای فرزندان یک خانواده است که باید متذکر شویم که صدمات روحی که در اثر از دست دادن یک مادر برای فرزند به وجود می آید را چه کسی می خواهد جبران کند آن هم ضرر معنوی چون مادر بهتر از پدر می تواند کانون خانواده های خود را گرم نگه دارد و فرزندان خود را تربیت کند و این را هم بدانید، مساله وضع حمل برای زن، مقدار زیادی از نیروی جسمانی اش را هم جذب می کند، هرچه فرزند بیشتر بیاورد در واقع ایثارگری بیشتری کرده است، این یک واقعیتی است، آفرینش زن این است، با شعار نمی توانیم آفرینش را عوض کنیم، این یکی از موانعی است که نمی گذارد بازدهی اقتصادی زن ها بیشتر بشود.

نتیجه

با توجه به قانون مجازات اسلامی و نظرات فقها اگر زنی، مردی را عمداً به قتل برساند، زن قصاص می شود بدون هیچ گونه شرط خاصی، اما اگر مردی زنی را عمداً به قتل رساند، در صورتی قاتل قصاص می شود که اولیای دم مقتوله، نصف دیه را پرداخت نمایند و اگر نصف دیه را ندهند یا نتوانند بدهند، مرد (قاتل) قصاص نمی شود. همچنین در قصاص اعضا و جراحات، زن و مرد با هم مساوی خواهند بود، مگر آنکه دیه صدمات وارد شده، ثلث یا بیش از ثلث دیه کامل باشد که در این صورت، دیه زن نصف مرد خواهد بود درباره برابری زن و مرد در قصاص و دیه نفس و عضو دیدگاه های زیادی وجود دارد و تفاوت هایی که میان زن و مرد در قانون مجازات اسلامی وجود دارد به دلیل تبعیض قائل شدن بین زن و مرد نیست چنانچه در قرآن بیان شده که سخنان و احکام خدا حق و عادلانه است و نسبت به بندگان در تکوین و تشریح ظلم نکرده است (صانعی - ۱۳۸۳) و تفاوت در قصاص و مجازات ها ناشی از تفاوت طبیعی موجود بین زن و مرد هستند.

منابع

۱. ابن منظور، لسان العرب، ج ۵، ص ۲۶۹.
۲. ابن منظور، محمد؛ ۱۹۹۰ م، لسان العرب، بیروت، دارالصادر جلد ۷، ص ۷۶.
۳. ابنقدامه، موفقالدین، ۶۳۰ ق. من شرح لمعة الاعتقاد. بیروت، نشر ادب الحوزه.
۴. الافریقی المصری، ابن منظور. ۱۹۹۷، لسان العرب، بیروت، دار صادر، ج ۵، چ اول، ص ۲۶۹، ماده «قصص».
۵. الافریقی المصری، لسان العرب، ج ۶، چ اول، ص ۴۲۱، ماده «ودی».
۶. برابری دیه (زن و مرد، مسلمان و غیر مسلمان) بر گرفته از نظرات مراجع عالی قدر حضرت آیت الله صانعی و آیت الله جناتی/ قم. میثم تمار. ۱۳۸۴.

۷. عاملی، زین الدین بن علی، ۱۳۷۶، الروضة البهیة، قم، المکتب الاعلام الاسلامی، چ دهم، ج ۲، ص ۳۹۶؛ النجفی، محمد حسن، ۱۳۷۴، جواهرالکلام، تهران، دارالکتب الاسلامیة، چ چهارم، ج ۴، ص ۲، ص ۷.
۸. الطبرسی، ابوعلی الفضل بن الحسن، ۱۴۰۸ ق، مجمع البیان فی تفسیرالقران. بیروت. دارالمعرفة للطباعة والنشر، ص ۱۵۴.
۹. الخوری الشرتونی، سعید: ۱۳۷۴، اقرب الموارد، تهران، دارالأسبوة، چ اول، ج ۵، ص ۷۴۵، ماده «ودی».
۱۰. جوادی آملی، ۱۳۹۲. زن در ایینه جمال و جلال. تهران. موسسه تحقیقات و نشر معارف اهل بیت علیهم السلام
۱۱. حیدری، محمودحسین. نگاهی دوباره به قصاص، نشریه پژوهی، شماره ۷.
۱۲. خسروشاهی، فلسفه قصاص از دیدگاه اسلام، ص ۲۹.
۱۳. خمینی، روح اله، تحریرالوسیله، ج ۲، کتاب الدیات، القول فی اقسام القتل، ص ۵۳۴.
۱۴. خندان کوچکی، جمال، ۱۳۸۶. تفاوت زن و مرد در دیه و قصاص، روزنامه اعتماد ملی، شماره ۴۳
۱۵. دوورژه، موریس؛ ۱۳۷۹. روشهای تحقیق در علوم انسانی، ترجمه ی خسرو اسدی؛ نشر تهران، ص ۲۳.
۱۶. دهخدا، علی اکبر؛ ۱۳۷۳، لغتنامه، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول، ص ۱۵۷۷.
۱۷. زراعت، عباس؛ ۱۳۸۱، شرح قانون مجازات اسلامی، تهران انتشارات شمشاد، ص ۳۵ و ۳۶.
۱۸. سجاد منش، لطفه الله، ۱۳۸۳. نقد الحاق: بررسی حقوق الحاق جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان، مرکز انتشارات موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی - قم - چاپ اول.
۱۹. سرخسی، ابوبکر محمد بن احمد، ۴۸۳ ق. المیسوطه در فقه حنفی. بیروت: دارالمعرفة.
۲۰. طریحی، فخرالدین. مجمع البحرین، ج ۴، ص ۱۸۰ بی تا و مصطفوی، حسن. التحقیق، فی کلمات قرآن کریم، ج ۹، ص ۲۷۶.
۲۱. طوسی، شیخ ابن جعفر محمد بن الحسن، ۱۴۰۴ ق. الخلاف، جلد اول، قم، مؤسسه النشر الاسلامی. صفحه ۳۴۹.
۲۲. عباسی، ایمان؛ ۱۳۸۲، فرهنگ اصطلاحات حقوق کیفری، تهران، نشر آریان، چاپ اول، ص ۳۷۱ و جعفری لنگرودی، محمد جعفر. ۱۳۷۸، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، تهران، گنج دانش، چاپ اول، جلد ۴.
۲۳. عرفانیان، مسعود ۱۳۹۰. اجرای احکام مدنی و کیفری، سایت رسمی قانون عدالت.
۲۴. قربان نیا، ناصر. ۱۳۹۱. زن و قانون مجازات. <http://www.porsojoo.com/fa/node/3238>.
۲۵. قرشی، سیدعلی اکبر. تفسیر احسن الحدیث، ج ۳، ص ۷۳.
۲۶. قطب راوندی، سعید بن هبه الله، ۵۷۳ ق. فقه القرآن. ناشر قم. کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ص ۱۱۴۵
۲۷. قطب راوندی، سعید بن هبه الله، ۵۷۳ ق. فقه القرآن. ناشر قم. کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ص ۱۱۴۵.
۲۸. کریمی، عبدالرضا. ۱۳۹۳، مطالعه تطبیقی تاثیر جنسیت در قصاص و دیه در فقه امامیه و حقوق کیفری ایران. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه آزاد تهران مرکزی.
۲۹. گرجی، ابوالقاسم؛ ۱۳۵۸، حقوق جزای اسلامی، نشریه موسسه حقوق تطبیقی شماره ۶، ص ۱۹.
۳۰. لویس، معلوف؛ ۱۳۸۰، المنجد، ترجمه احمد سیاح، تهران نشر اسلام، ص ۱۶۰۰.
۳۱. الماوردی، علی بن محمد بن حبیب. ۱۴۰۹ ه. ق. الامثال و الحكم. انتشارات: بیروت. دار و مکتبه الهلال.
۳۲. مهرپور، حسین. ۱۳۸۴. واپژوهی بررسی تفاوت اجرای حکم قصاص در مورد زن و مرد. مجله راهبرد، شماره ۳۷.
۳۳. نادری، عزت اله و مریم سیف نراقی، ۱۳۸۲. روش های تحقیق در علوم انسانی، تهران: انتشارات رشد، ص ۴۵.
۳۴. نجفی، محمد حسن، جواهرالکلام، ج ۴۲، به نقل از همانص ۷.

A Study of Men and Women's Islamic lex talionis from the Perspective of Jurisprudence and Islamic Penal Code

Hossein Mazijani¹, Gholamreza Arefian²

^{1,2} Department of Public Law, Bandar Abbas Branch, Islamic Azad University, Bandar Abbas, Iran

Abstract

Islamic lex talionis and blood money for men and women is one of controversial issues from the perspective of jurists and one of the fundamental questions is how to execute the Islamic lex talionis for a woman who has murdered a man without the need for the male victim's family to pay anything to the family of the woman; however, if a man murders a woman, he will be retaliated only if the family of the murdered woman pays some money to the family of the male murderer?! In dealing with the issue of implementation of the differential punishments of Islamic lex talionis and blood money for women based on articles 382 and 388 and the Penal Code Act of 1392, jurists and commentators have relied on traditional reasons such as verses and traditions as well as consensus to justifications and legal and common reasoning to verify and strengthen their ideas including equality or inequality of men and women in terms of retaliation and blood money. According to Islam, there are no difference between men and women in terms of human, divine, scientific and cultural dimensions; therefore, the purpose of Islamic lex talionis and blood money is by no means to claim and receive the intrinsic and social value of humans. Therefore, the different rules and regulations in this regard could be justified by the natural difference between men and women.

Keywords: Differential Punishments, Islamic Lex Talionis, Jurists' Views, Islamic Lex Talionis for Women, Islamic Lex Talionis for Men.
